

آموزش مهارت‌های زندگی
با استفاده از قصه‌های کهن ایرانی
ویژه کودکان و نوجوانان

فهرست

- دیباچه ۸
- پیشگفتار ۱۱
- بخش اول: مهارت‌های زندگی چیست؟** ۱۵
- بخش دوم: مهارت خودآگاهی** ۲۱
- داستان (۱): کلاغ طاووس نما (دیوان پروین اعتصامی) ۲۴
- داستان (۲): آهو در طوبله (مثنوی معنوی) ۳۰
- بخش سوم: مهارت همدلی** ۳۵
- داستان (۱): طوقی و زیرک (کلیله و دمنه) ۳۷
- بخش چهارم: مهارت جرأت‌ورزی** ۴۵
- داستان (۱): هم‌نشین بد (گلستان سعدی) ۴۸
- داستان (۲): نه! من نمی‌خورم (مثنوی معنوی) ۵۲
- بخش پنجم: مهارت برقراری ارتباط مؤثر** ۵۷
- داستان: دوستی موش و قورباغه (مثنوی معنوی) ۶۰
- بخش ششم: مهارت روابط بین فردی سازگاران** ۶۷
- داستان (۱): فریب روباه (گلستان سعدی) ۷۰
- داستان (۲): دوستی با خرس (کلیله و دمنه) ۷۹
- بخش هفتم: مهارت مدیریت احساسات و خشم** ۸۳
- داستان (۱): زود قضاوت کردن (کلیله و دمنه) ۸۷
- داستان (۲): آدم خیال‌باف (کلیله و دمنه) ۹۴
- داستان (۳): لاک‌پشت پر حرف (کلیله و دمنه) ۹۸

| | |
|--|-----|
| بخش هشتم: مهارت تصمیم‌گیری | ۱۰۳ |
| داستان (۱): تصمیم به‌موقع و درست (مثنوی معنوی) | ۱۰۵ |
| داستان (۲): آتش‌بازی (سندباد نامه) | ۱۱۲ |
| بخش نهم: مهارت حل مسئله | ۱۱۷ |
| داستان (۱): شیر درنده و خرگوش باهوش (کلیله و دمنه) | ۱۲۰ |
| داستان (۲): کودک هشیار (سندباد نامه) | ۱۲۹ |
| بخش دهم: مهارت تفکر خلاق | ۱۳۵ |
| داستان (۱): نابینای نکته‌سنج (سندباد نامه) | ۱۳۸ |
| داستان (۲): الاغ باسواد (مرزبان نامه) | ۱۴۸ |
| بخش یازدهم: مهارت تفکر انتقادی | ۱۵۳ |
| داستان (۱): روباه و خروس (مرزبان نامه) | ۱۵۶ |
| داستان (۲): مرد طمع‌کار (مثنوی معنوی) | ۱۶۳ |
| داستان (۳): خوراک بهشتی (سندباد نامه) | ۱۶۷ |
| منابع | ۱۷۳ |

دیباچه

دکتر علی صاحبی

بشنوید ای دوستان این داستان
خود حقیقت
نقدِ حالِ ماست آن

در سال ۱۳۸۶ که طرح کتاب تمثیل‌درمانی را با بانوی روان‌شناسی ایران زنده‌یاد پریخ دادستان در میان گذاشتم، فکر نمی‌کردم که استقبال از کاربست تمثیل در بین متخصصان روان‌شناسی، سلامت روان و تعلیم و تربیت تا این حد باشد. البته حدس من این بود که در فرهنگ و کشوری که ستارگان آسمان تاریخ و فرهنگ و ادبیاتش مولوی و عطار و فردوسی و سعدی از داستان و قصه برای انتقال آموزه‌های خود استفاده کرده‌اند، زمینه آموزش و آموختن به وسیله داستان و قصه باید جایگاه ویژه‌ای داشته باشد؛ اما استقبال از چاپ اول کتاب تمثیل‌درمانی: کاربرد تمثیل در بازسازی شناختی که سازمان سمت آن را منتشر کرد چنان پرشور بود که من را تشویق کرد تا جلد دوم آن را با شوق بیشتری، یک سال بعد با نام قصه‌درمانی: کاربردهای درمانی و تربیتی تمثیل به دست انتشارات ارجمند بسپارم. همکاران عزیزم از این کتاب نیز چنان استقبال نمودند که پس از هفت ماه به چاپ دوم رسید. پس‌ازاین دو کتاب نیز همکاران دیگری کتاب‌هایی در گستره تمثیل و قصه‌درمانی ترجمه یا تدوین کردند و چندین پایان‌نامه نیز در کاربردهای درمانی تمثیل‌ها در حوزه روان‌شناسی در ایران نگاشته شد. این‌ها همه نشان از کاربردهای پذیرفته‌شده تمثیل و قصه در گستره خدمات روان‌شناسی و به‌ویژه حوزه روان‌شناسی بالینی دارد. به‌طورکلی حکایت و قصه در فرآیند تعلیم و تربیت و بازسازی شناختی عرصه‌ای را فراهم می‌آورد که شنونده می‌تواند قصه زندگی خودش را به آن فرا افکند و به مضمون قصه، معنای واقعی ببخشد.

قدرتمندترین مکانیسمی که در اینجا عمل می‌کند شاید «هماندسازی» باشد. به این معنی که خواننده و یا شنونده خودش را در جایگاه و نقش شخصیت اصلی قصه قرار داده و سعی می‌کند که آنچه شخصیت داستان انجام داده و یا از انجام آن سر باز زده را در ساختار ذهنی خودش بازآفرینی کند. چنانچه قصه سر بسته باشد و به اندازه کافی مبهم باقی بماند، ممکن است فرد، فرافکنی نموده و برای یافتن راه‌حلی برای تعارض خاصی که در قصه نقل شده است تلاش کند.

به‌طور کلی قصه و تمثیل چهار قلمرو از وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند:

- ✓ **قلمرو شناختی:** توانایی قصه در انتقال دانش و کمک به فرآیند حل مسئله.
- ✓ **قلمرو عاطفی:** قصه باعث پالایش عاطفی-هیجانی و امیدآفرینی می‌شود.
- ✓ **قلمرو بین فردی:** قصه باعث ایجاد و خلق پیوستگی و رابطه انسانی-اجتماعی افراد با یکدیگر می‌شود «من تنها نیستم، کسان دیگری نیز با مشکلی مثل مشکل من سر و کار دارند.» (پیوند اجتماعی)
- ✓ **قلمرو شخصی:** قصه باعث بصیرت و بینش می‌شود، چرا که فرد خودش و مسائل مبتلا به زندگی‌اش را در روایت دیگر ملاحظه و مشاهده کرده و درک بهتری از خود و مشککش پیدا می‌کند.

تمثیل و قصه راهی است برای خلق تجربه‌های آموزنده که هر فرد ممکن است خودش با آنها روبرو نشده باشد. به بیان دیگر تمثیل تکرار یک تجربه گذشته برای کمک به تغییر آموخته‌های به‌دست آمده از آن تجربه است.

تمثیل و داستان به دلیل جذابیت ذاتی خود به طرق گوناگون با خواننده در طیف سنی گسترده ارتباط برقرار می‌کند. از آنجایی که قصه در سطوح مختلف با افراد ارتباط برقرار می‌سازد، در سطح وسیعی می‌تواند سودمند واقع شود. برخی از زمینه‌های کاربری سودمند تمثیل به‌قرار زیرند:

- ✓ تفریح و سرگرمی؛
- ✓ تغییر خلق و وضعیت روانی یا سطح انرژی فرد یا گروه؛
- ✓ تغییر چارچوب معنایی یک مسئله به‌عنوان یک فرصت جدید؛
- ✓ دیدن یک موقعیت و پاسخ‌دهی به آن از زوایای گوناگون؛

- ✓ به هم زدن کوتاه‌بینی نسبت به جهان؛
- ✓ به چالش کشیدن رفتارهای غیرقابل قبول (نامناسب)؛
- ✓ ارائه مدل رفتاری یا نگرش و طرز تلقی سودمندتر؛
- ✓ آموختن نکات مهم، به‌طور غیرمستقیم؛
- ✓ نشان دادن منحصربه‌فرد نبودن مسئله یا مشکل؛
- ✓ تقویت خلاقیت.

کتاب حاضر نوشته همکار فهیم و دانشور من آقای ابراهیم رفاقت است. آقای رفاقت که خود از معلمان شایسته و مشفق و کارآمد است قبل از نگارش کتاب، اثربخشی آنها را با دانش‌آموزان خود در مدارس بسیار معمولی و حتی در مدارسی پایین‌تر از سطح رفاه عمومی آزموده و نتایج شگرفی گرفته است و اکنون دستاوردهای خود را با ما به اشتراک گذاشته است. در این کتاب جناب آقای رفاقت کاربست‌های داستان و تمثیل را در کار با کودکان و نوجوانان ارائه نموده است.

من از خواندن این کتاب، هم بسیار آموختم و هم بسیار لذت بردم. امیدوارم این کتاب نیز بتواند به پدرها و مادرها، مشاوران، روان‌شناسان، درمانگران، معلمان، مربیان و روان‌پزشکان و دیگر متصدیان سلامت روان کمک کوچکی بکند.

علی صاحبی

روان‌شناس بالینی مؤسسه انتخاب ایران

آبان ۹۸

پیشگفتار

سخنی با معلمان، روانشناسان و مشاوران و تمام کسانی که می‌خواهند از این کتاب استفاده کنند:

این کتاب در اصل برای معلمان، مشاوران، پدرها و مادرها و همه کسانی که باتربیت کودکان و نوجوانان سروکار دارند، نوشته و طراحی شده است. هر بخش مربوط به یکی از مهارت‌های زندگی است و در مجموع در این کتاب به ۱۰ مهارت اساسی زندگی مانند مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، خودآگاهی، جرأت‌ورزی، روابط بین فردی سازگارانه، برقراری ارتباط مؤثر، همدلی و مدیریت احساسات و خشم با استفاده از داستان‌های کهن ایرانی پرداخته شده است که انتظار می‌رود هر بخش از کتاب فقط در یک جلسه آموزش داده شده و به کودکان اجازه داده شود تا ذهن‌شان برای جلسات بعد آماده گردد. هر بخش به گونه‌ای نوشته شده است که هر جلسه بیش از ۴۵ دقیقه طول نکشد، چراکه در طول جلسه نباید کودکان احساس فشار و خستگی کنند که اگر این‌طور باشد بحث آموزش مهارت‌های زندگی به هدف خود نخواهد رسید. در ابتدای هر بخش توضیح مختصری در مورد مهارت مورد نظر آورده شده است که این توضیحات برای فهم بهتر مطلب توسط بزرگ‌ترها نوشته شده و در شروع هر جلسه نباید این موارد با کودکان و نوجوانان در میان گذاشته شود. بهتر است در آغاز، تنها موضوع جلسه گفته شده و در همان ابتدا شروع به خوانش داستان شود و از بچه‌ها خواسته شود که با دقت به داستان گوش دهند، چون بعد از اتمام داستان در مورد آن بحث خواهد شد.

چون حدود ۲۰ داستان از بین نزدیک به ۳۰۰ داستان و شعر از کتاب‌های بی‌نظیر ایرانی نظیر مثنوی معنوی، کلیله و دمنه، گلستان سعدی، مرزبان‌نامه، سندباد نامه و اشعار پروین اعتصامی انتخاب شده است، توصیه می‌شود ۲۰ جلسه برای آموزش مهارت‌ها در نظر گرفته شود؛ بدین صورت که در ده جلسه اول، ابتدا داستان‌های شماره یک، جهت آموزش اولیه خوانده و با کمک بچه‌ها تحلیل شوند. در ده جلسه دوم

دوباره به اول برگشته و جهت تحکیم مطالب ارائه شده، داستان‌های دوم خواننده و داستان‌ها دوباره با کمک بچه‌ها نقد شود. این روش سبب تحکیم مطالب در حافظهٔ کودکان می‌شود؛ یعنی ما مطالبی به کودکان ارائه می‌کنیم و به آنها اجازه می‌دهیم در طول جلسات بعد در مورد مطالب گذشته فکر کنند و سپس در زمان مناسب دوباره به همان مطالب برمی‌گردیم و کمک می‌کنیم مهارت‌ها به خوبی در ذهن کودکان جا بگیرند و تثبیت شوند.

در طول جلسات می‌توانیم از بچه‌ها بخواهیم که یا در همان جلسه یا در خانه، تصویری از داستان، از هرکجا که در ذهن‌شان مانده است نقاشی کنند و به جلسه بیاورند. اگر طول جلسه از ۴۵ دقیقه کمتر شد، می‌توان در همان جلسه از بچه‌ها خواست این کار را انجام دهند؛ اما اگر جلسه خسته‌کننده و طولانی شد، از کودکان بخواهید برای جلسه بعد، از هرکجای داستان که در ذهن‌شان مانده است نقاشی بکشند و بیاورند. این مسئله بیشتر به خلاقیت خود مربی مربوط می‌شود که جلسات را چطور اداره کند. در مجموع، این کار هم به خلاقیت کودکان کمک می‌کند و هم جلسات را متنوع‌تر و برای بچه‌ها جذاب‌تر می‌سازد. البته باید طوری این درخواست از کودکان شود که آنها به هیچ وجه احساس اجبار و تکلیف نکنند و آن را صرفاً به عنوان سرگرمی قبول داشته باشند.

بعد از اتمام هر داستان، جدولی آورده شده که مهارت اصلی و فرعی در آن مشخص شده است؛ همچنین سؤالاتی در نظر گرفته شده است که هر دو مهارت اصلی و فرعی را در کودکان به چالش کشیده و تمام جوانب داستانی را پوشش می‌دهد. افرادی که داستان را برای کودکان و نوجوانان می‌خوانند باید قبل از جلسه سؤالات را خوانده و نسبت به آنها مسلط و آگاه باشند؛ در غیر این صورت بعد از خوانش داستان دچار مشکل خواهند شد. هرچند سؤالات طوری طراحی شده که تمام جوانب داستان را پوشش می‌دهد، اما خلاقیت کسی که داستان را می‌خواند نیز مهم است و می‌توان بر اساس جو و سطح ادراک و برداشت‌های کودکان و نوجوانان، پرسش‌ها را تغییر داد یا سؤالات جدیدی پرسید. مثلاً می‌توان از کودکان خواست تا اتفاقی که در خانه یا مدرسه برای آنها پیش آمده و نحوه برخورد با آن مشکل را توضیح دهند و سپس از خود کودک خواست تا با توجه به موضوع جلسه به این بیندیشد که آیا راه حل ارائه شده متناسب با مشکل بوده است یا نه و چقدر آن راه حل، مشکل را برطرف کرده است؟

در انتها نیز مطالب تکمیلی نسبت به هر مهارت آورده شده است که آن مطالب می‌تواند مکمل داستان و مطالب ارائه‌شده باشد. در ادامه بر اساس خود داستان، آن مطالب روی تخته نوشته‌شده و توضیح داده شود تا درک مطالب و مهارت اصلی که موردنظر است در کودکان و نوجوانان افزایش یابد و تحکیم گردد.

هدف اصلی در این مجموعه این است که کودکان را با استفاده از داستان و پرسش‌های متعدد مربوط به آن، طوری هدایت کنیم که خودشان مسئله را درک و فهم کنند. این کار چندین هدف را موردتوجه قرار می‌دهد:

- ✓ مهم‌ترین هدف این است که کودکان برای یادگیری مهارت‌ها، خود را مجبور و تحت فشار احساس نمی‌کنند؛
- ✓ پذیرش گروهی آنها افزایش می‌یابد؛
- ✓ فهم و درک کودکان بالا می‌رود؛
- ✓ جواب‌های آنها باعث افزایش اعتمادبه‌نفس و تقویت عزت‌نفس‌شان می‌شود؛
- ✓ بحث کردن در گروه، جرأت‌مندی کودکان را بالا می‌برد؛
- ✓ با مشارکت در بحث‌ها، جواب‌های خود را با دوستانشان مقایسه کرده و تفکر انتقادی آنها افزایش می‌یابد؛
- ✓ بحث در گروه را یاد می‌گیرند و احترام به نظرات دیگران را می‌آموزند؛
- ✓ ظرفیت تحمل نظرات مخالف را پیدا می‌کنند و صبر کردن را یاد می‌گیرند.

این‌ها تنها قسمتی از اهداف و مزایای این کتاب است و باحوصله و مهارت کسی که داستان‌ها را می‌خواند، این مزایا بیشتر نیز می‌شود و کودکان در مسیر درستی که همانا آموزش مهارت‌های زندگی در وهله اول و آماده کردن کودکان برای زندگی خانوادگی و اجتماعی بهتر و مؤثرتر در مراحل بعدی است، قرار می‌گیرند.

بخش اول

مهارت‌های زندگی چیست؟

مهارت‌های زندگی

امروزه با وجود تغییرات عمیق در سبک زندگی، بسیاری از انسان‌ها در برخورد با مسائل مختلف، فاقد توانایی‌های لازم و به اصطلاح مهارت‌های اساسی برای آن هستند و به همین سبب در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره و مقتضیات آن آسیب‌پذیر ظاهر می‌شوند و چه بسا در برخی موارد دست به رفتارهای محکوم‌به شکست می‌زنند. با توجه به رشد بسیار سریع علم و دانش در دنیای کنونی که به عصر اینترنت و فناوری و سرعت معروف است، انسان نیازمند سازگاری با این سرعت روزافزون است و چون نمی‌تواند از آسیب‌های این سرعت و پیشرفت به دور باشد، بایستی راه‌های مقابله با آن را بیاموزد. انتظار می‌رود انسان امروزی با توان و پتانسیل‌های بالاتری با مسائل برخورد نماید و با اطلاعاتی که در زمینه‌های مختلف دریافت می‌کند، به‌طور مؤثر و کارآمدی در جهت حل مشکلات خود گام بردارد. این امر مستلزم داشتن «مهارت‌های زندگی» است. این مهارت‌ها به ما کمک می‌کند تا با مشکلات زندگی به شیوه مؤثر و مثبتی برخورد نموده و به موفقیت‌هایی نائل آییم (خنیفر و پورحسینی، ۱۳۹۱).

در این بین کودکان و نوجوانان در برابر مشکلات عصر کنونی آسیب‌پذیری بیشتری دارند و به همین دلیل نیازمند توجه بیشتر در راستای آموزش مهارت‌هایی جهت مقابله با مشکلات زندگی هستند. این کار با آموزش مهارت‌های زندگی عملی می‌شود. با کسب این مهارت‌ها آنها می‌آموزند که در دنیای پیشرفته و پیچیده کنونی چگونه زندگی کنند، تصمیم بگیرند و حل مسئله نمایند، با مدیریت هیجانات و استرس، روابط بین فردی مؤثرتری داشته باشند و به شکل سازگاران با انسان‌های دیگر گفتگو

کنند، به تفکر خلاقانه و انتقادی مجهز شوند و توانایی جرأت‌ورزی و نه گفتن نیز داشته باشند و مهم‌تر از همه اینکه چگونه به مسائل زندگی به‌عنوان معماهای قابل حل نگاه کنند؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مهارت‌های زندگی و آموزش موفق آن به کودکان و نوجوانان، یکی از عوامل عمده گسترش بهداشت روانی در جامعه است.

مطابق با تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO، ۱۹۹۷) مهارت‌های زندگی «توانایی‌هایی هستند که موجب رفتار مثبت و سازگاری فرد و نیز مقابله مؤثر او با چالش‌ها و نیازهای زندگی روزمره می‌شوند». از دیدگاه این سازمان، مهارت‌های زندگی همچون سواد خواندن و نوشتن برای هر فرد است. همان‌گونه که سواد خواندن و نوشتن از ضروریات زندگی امروزی است، برخورداری از مهارت‌های تصمیم‌گیری، مدیریت هیجانات و احساسات، حل مسئله، تفکر خلاقانه و انتقادی، توانایی برقراری ارتباط مؤثر، توانایی نه گفتن و جرأت‌ورزی و سایر مهارت‌ها برای زندگی در این عصر فناوریانه اجتناب‌ناپذیر است. افرادی که فاقد چنین مهارت‌هایی هستند، قادر نخواهند بود با چالش‌های روزانه به شکل سالمی برخورد کنند و نسبت به حوادث و مشکلات زندگی به شدت آسیب‌پذیر خواهند بود. در واقع، مهارت‌های زندگی یعنی ایجاد روابط بین فردی مناسب و مؤثر، انجام مسئولیت‌های اجتماعی، انجام تصمیم‌گیری‌های صحیح، حل تعارضات و کشمکش‌ها بدون توسل به اعمالی که به خود یا دیگران صدمه می‌زند (یونسکو، ۲۰۱۸).

چرا آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان اهمیت دارد؟

کودکان و نوجوانان حق دارند توانمند شوند و نیاز دارند که بتوانند از خودشان و علاقیشان در برابر موقعیت‌های دشوار زندگی دفاع کنند. مهارت‌های ده‌گانه زندگی نقطه آغاز مهارت‌هایی است که تأثیرات مثبت زیادی بر کودکان و نوجوانان دارد. برای مثال:

✓ سلامت و تندرستی کودکان و نوجوانان را به همراه دارد.

- ✓ سبب تغییر نگرش و ایجاد و تقویت حس خود-کارآمدی در کودکان می‌شود.
- ✓ بهبود در برقراری ارتباط با همسالان را به همراه خواهد داشت.
- ✓ در روابط مدرسه بهبود ایجاد می‌کند.
- ✓ و در ارتقای سلامت روانی کودکان نقشی مؤثر دارد (اتینو و رول، ۲۰۱۵؛ فتی و همکاران، ۱۳۹۱).

نکته بسیار مهمی که باید در مورد «مهارت‌های زندگی» به یاد داشته باشیم این است که مهارت با علم و دانستن تفاوت دارد. همان‌طور که یک نفر با خواندن کتاب شنا یا تیراندازی، فقط علم شنا یا تیراندازی پیدا می‌کند ولی شنا یا تیراندازی یاد نمی‌گیرد، دانستن این مهارت‌ها هم کافی نیست و باید با تمرین مستمر و به‌کارگیری این مهارت‌ها در زندگی واقعی خود، به نتایج رضایت‌بخشی در این مورد دست پیدا کرد (جزایری و رحیمی، ۱۳۹۰).

مهارت‌های زندگی از آن‌جهت مفید و مؤثر تلقی می‌شوند که فرد را قادر می‌سازند تا دانش، نگرش و ارزش‌های وجودی خود را به توانایی‌های واقعی و عینی تبدیل کند و بتواند از نیروهای وجودی خود در جهت شادکامی و ایجاد یک زندگی مثبت برای خود در کنار دیگران بهره‌گیرد. شخصی که مهارت‌های زندگی را می‌آموزد و آنها را در زندگی واقعی به‌کار می‌بندد، به موفقیت‌های شخصی و اجتماعی نائل می‌آید و در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی و فردی توانمند می‌شود (توماس، ۲۰۱۷).

باوجود تأیید اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی کودکان و نوجوانان، جذاب کردن فرایند و ساده و ملموس کردن مفاهیم برای ارتقاء و حفظ انگیزه کودکان، از دغدغه‌های همیشگی مربیان و روان‌شناسان بوده است. به نظر می‌رسد چهارچوب قصه، گزینه منحصربه‌فردی باشد. هنگامی که آموزش‌ها در خلال قصه مطرح می‌شوند به نسبت زمانی که به‌طور مستقیم ارائه شوند، جذاب‌تر بوده و شرایط یادگیری بهتر و عمیق‌تری فراهم می‌آورند؛ همچنین احتمال به‌کارگیری و تعمیم آنها توسط کودک در زمینه‌های مشابه زندگی افزایش می‌یابد (هفتر، ۲۰۰۳). آموزش مبتنی بر قصه در قالبی مانوس، باعث افزایش آگاهی و بینش کودک می‌شود، چراکه

کودک، خود و مسائل زندگی‌اش را در روایت دیگران مشاهده کرده و درک بهتری از خویشتن و مشکلات و راه‌های مقابله با آنها و راه حل‌های جایگزین پیدا می‌کند (صاحبی، ۱۳۸۹). قصه‌ابزاری نیرومند برای کمک به کودکان جهت درک احساسات و رفتارشان است و به آنها یاری می‌رساند تا احساسات انتزاعی خود را به صورت عینی درک کنند. وضعیت سوم شخص در قصه، برای کودکان محیطی غیر تهدیدکننده فراهم می‌کند تا رویدادها و احساسات مختلف را به گونه‌ای راحت‌تر تجربه و پردازش کنند (یحیی محمودی و همکاران، ۱۳۹۲). با خواندن قصه امکان تصویرسازی ذهنی برای کودکان و نوجوانان فراهم می‌شود و همچنان که کودک قصه را می‌شنود، صحنه‌های داستان و شخصیت‌های آن را خلق می‌کند و توانایی تجسم و خیال‌بافی که مبنای تصور خلاق است در آنها شکوفا می‌شود. قصه‌خوانی یک روش فعال برای پرورش قوه خلاقیت و بالا بردن سطح تفکر شناختی کودکان محسوب می‌شود. از آنجایی که قصه یکی از بهترین ابزارها برای خودشناسی است و کودک از این طریق مفاهیم و ارزش‌های موجود در آن را با مفاهیم و نظرات شخصی خود مقایسه می‌کند، بنابراین کودکان با خواندن یا شنیدن داستان‌های خوب و متناسب با نیازهای خود می‌توانند با همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستان، در انگیزه‌ها، کنش‌ها یا تجربه‌های آنها سهیم شوند. در این روند، داستان بخشی از تجربه‌های شخصی کودک یا نوجوان می‌شود و افزون بر چالش ذهنی، فرصتی برای خودآزمایی و مسئله‌گشایی ایجاد می‌کند (باچر، ۲۰۰۶؛ خدایی مجد، ۱۳۹۵).

قصه‌هایی که قهرمانان و ضدقهرمانان آنها حیوانات هستند، به روشی غیرمستقیم و بیانی تصویری و فضا‌سازانه، کودکان را در جهان‌های موازی و متداخل «واقعیت و خیال» سیر می‌دهند تا گره‌های روانی‌شان را بگشایند و ابعاد وجودی‌شان را به آنها بنمایانند. کودک در این موجودات داستانی، بی‌واهمه و هراس، خصلت‌های خود را بازمی‌یابد، چنانکه در عالم رؤیا و خواب. همذات‌پنداری با قهرمان قصه‌ها در شیطنت‌ها و بازیگوشی‌ها (نشاط و تخلیه) یا پانهادن به عوالم پرخطر و ناشناخته (برخورد با فشارها و عقده‌ها) یا تکلم و تعامل با اشیاء و موجودات پیرامون (این‌همانی با هستی و طبیعت) یا پرواز به آسمان‌ها و دوردست‌ها، جذاب‌ترین و